

شعارهای کاریکاتوری تغییر نظام در افغانستان!



پیوسته به گذشته بخش یکصد و پنجاه و دوم

روزگار، روزگار خوبی است شب و روز فحش میدهیم که چرا چنین شده ویا چنان میشود؟ زود باشید که بورژوازی لبرال با ارتجاع مذهبی و همه نیروهای که دغدغه قدرت و ثروت را دردل می پروراند عقد عروسی بسته اند اما جالب است که هریکی از دسته ها و و انجمن های چند نفره هم که هستند پیشنهاد تغییر نظام میدهند و خواسته ها و آرزو های خود را در کاغذ پرانی از تغییر نظام به هوا پرتاب میکنند. اصلاً از سرانگشتان شان پیداست که این آقایون معتاد ثروت اند و از چندین سال بدینسو آخرین قطرات ارزشهای فرهنگی و ملی را نیز به باد فنا داده اند. با تأسف باید گفت که هستند عده ای از شد به روشنفکران این طائیفه برخلاف عرف قدیم و باستانی که شهروندان را برای رسیدن به اهداف والای فکری و اعتقادی خویش همراه با دیگر هم فکران و اندیشمندان دست به تأسیس نهاد های مدنی و حقوقی از قبیل احزاب و سازمان های اجتماعی سیاسی و از تریبون یک حزب سیاسی و نهضت اجتماعی برای تحقق اهداف مشروع سیاسی و فرهنگی بهره می بردند، تشکیل احزاب و نهاد های مدنی را همچون گاؤ های شیری برای دوشیدن توده ها بصورت کاذب و مافیائی بوجود می آورند. مثلاً شما نگاه کنید آقایون انور الحق احدی و صدیق خان پتمن و نویسنده کتاب جنجالی سقاوی دوم از شبه روشنفکران همین طائیفه ای از مافیا بدون ارئیه یک اجندای روشن اعتقادی با تیم تحوّل و تداوم برهبری محمد اشرف غنی احمد زی پیوسته بودند و ستاد انتخاباتی تحوّل و تداوم نیز که جاسوسان معلوم الحالی همچون محمد حنیف اتمر یکی از جانبازان جنگ جلال آباد و کارمند بلند رتبه خدمات اطلاعات دولتی رژیم کارمل و نجیب و دیگر مهره ها در آن پرسه میزدند از تازه واردان به ستاد انتخاباتی تحوّل و تداوم یعنی انور الحق احدی - صدیق خان پتمن و محمد اسمعیل یون برای اعلانات انتخاباتی بهره ای اعظمی بردند

<https://www.youtube.com/watch?v=DPkJb7x7vy8>

نباید تعجب کرد که چرا این آقای صدیق خان پتمن یکی از مریدان سینه چاک خانقاه قادریه که داشتن سابقه با داماد درگاه قادریه یعنی همان انور الحق احدی دامت برکاته بحیث یک وثیقه معتبر استفاده میکند و به معامله میگذارند بروز روشن انگیزه یکجا شدن با تیم تحوّل و تداوم را به زبان شیرین خود اینگونه بیان میکند.

<https://www.youtube.com/watch?v=gxfb5mp8UkU>

مسخره آمیز ترین برداشتی که این مرید خانقاه قادریه شریف "محاذ ملی و اسلامی افغانستان" با صراحت کامل بیان داشت و یاهم بزعم وی به پرسش مبنی بر انگیزه یکجا شدن وی و دوستان اش با تیم تحوّل و تداوم برهبری محمد اشرف غنی برای همیشه نقطه پایان بگذرانند با صراحت لهجه وبدون هرگونه سو برداشت چنانچه شنیدید فرمودند: که طوری تبلیغ می کنند که گویا اگر به شما وزارت را میدادند کاملاً راضی بودید، وی با وقاحت شبه روشنفکری می فرمایند که من می گوئیم، بلی! من برای این پرسش جواب آری میگوئیم! اشرف غنی یک مردی بود که استاد پوهنتون بود و در خانه اش نشسته بود وی در دور گذشته انتخابات صد و هشتاد هزار رأی را از آن خود ساخته بود، این مرتبه که رأی را برد و برنده اعلام شد این رأی از کیها بود؟



این من همراهش بودم و افراد مانند من همراهش بودند که برنده شد . . . آیا وی که حکومت درست میکرد از ملائیکان بوجود می آورد؟ وی که کاندید ریاست جمهوری شد و هر لحظه شعار می داد و چیغ میزد که ارگ نزدیک شد ارگ هم نزدیک شد وزارت هم نزدیک شد ارگ با وزارت وابسته است! تو که به ارگ داخل میشوی ... ببینید کسی که با تیم خود وفا نه کند این حرف را بخاطری به صراحت میگویم که این پرسش اصلاً دیگر مطرح نه شود ... ببینید من و تو رفیق راه هستیم و شرکای تجارت و تو در راه جیبیم را بزنی آیا دیگر من باتو به یک راه خواهیم رفت؟ خبرنگار شاه پور بختیار گرداننده میز گفت یعنی اینکه رئیس جمهور در راه کیسه بری کرده است؟! !!! صدیق خان پتمن با صراحت گفت بلی جیب (کیسه) ما را در راه زدند، زیرا ما با خودت یکجا تلفات دادیم، شهیدان داده ایم .. از همه مهمتر این که برنامه را باتو یکجا بردیم، همین رئیس جمهور به تلفظ هم نه می فهمید شما در کمپاین های انتخاباتی نه دیده بودید؟ همین اکنون با دو زبان حرف زده نه میتواند، این کار کی ها بود؟ نوشته ها را چه کسی میکرد و برنامه را چه کسی می ساخت؟ این سخنانی که برای ملت میگفتیم چه کسی انجام میداد، این ملائیک بودند یا ما؟ این نماز نیست که من انجام می دهم و از خدا بهشت می طلبم این زکات و رفتن به حج نیست که ما برای بهشت خدا انجام می دهیم این تعامل و معامله سیاسی در این دنیا است که در تمامی جهان نیز رواج دارد. بگذریم از این تقسیم بندی های عبادی و سیاسی جناب صدیق خان که قصه دراز دارد، درد ناک ترین و در عین حال مسخره ترین برداشت فتوی گونه ای که داماد خانقا ه طریقت حضرت انورالحق خان احدی فرمود و تمامی کسانی که خواستار تغییر نظام اند بر فدرالیسم و تجزیه طلبی متم ساختند.

<https://www.youtube.com/watch?v=bx4yqMde-ys>

اما حکایت تغییرکاریکاتوری نظام حاکم بر افغانستان پایان نه یافت بلکه با هرمناسبت و پیش زمینه ای هواداران سنتی نظام دیکتاتوری سعی نمودند تا هواداران تغییر نظام حاکم حکایت تغییر نظام را بر زبان نه آورند بنا در یک روز سرد که شعله های گرم آفتاب بر خیمه لویه جرگه می تابید حضرت داماد خانقا ه شریف طی یک خطبه غراً مسأله تغییر نظام را با این ادبیات بیان فرمود:

<https://www.youtube.com/watch?v=4jUNVVh4qrYe>

اما غریو گریه های مکارانه و الاحضرت کرزی که قبلاً در یک معرکه زرگری با امریکا و ناتو بیان داشته بود این خطبه تغییر نظام از زبان حضرت احدی را نقش بر آب ساخت. آقای حامد خان کرزی چنانچه قبلاً به آن اشاره گردید در یک محفل مشابهی اینگونه گریسته بود.

<https://www.youtube.com/watch?v=mLo5gAHMnNI>

اما فتوای مذهبی و "سیا" سی "سی حضرت محمد اسمعیل یون نویسنده کتاب مقدس **"دویمه سقاوی"** یا تیوری سازی و مانیفیست جنایت طالبان که به روایتی در همان دوره نظام صد درصد اسلامی!! طلبای کرام برشته تحریر در آورده اند در محفلی که در یکی از سماوارخانه های بغلی شبکه تلویزیونی مقدسه ژوندون به بهانه خروج ارتش سرخ از افغانستان برگزار کرده بود و اکثر در میان بازمانده گان طالبان که در کابل به سر میبردند سخنرانی ار شاد می فرمود گفت:

<https://www.youtube.com/watch?v=CoC9VObMrXc>

جالب است که حضرت محمد اسمعیل یون دامت برکاته دین اسلام را مغائر با نظام مردم سالاری و حتی نظام فدرالی دانست و درحالیکه خود در زیر چتر ارتش سرخ به گفته خودش جهاد قلمی مینمود خود را بالاتر از هر فقیه و حتی احکام صریح قرآن کریم که می فرمایید وَاْمُرْهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ خود را بالاتر از آن می پندارد ، البته باید گفت که حضرت محمد اسمعیل یون دامت برکاته هیچگونه قصوری در زمینه برداشت از اسلام و شریعت نداشته است زیرا وی در تمای دورانی که در کابل به سرمیبرد ماسوا از سنگسار و دست بردن ها و به دارآویزان ها چیزی دیگری را ندیده است . و تازه آنگاه که مانیفست **"دوهمه سقاوی"** را نگاشت جنگجویان طالب فرصت نه یافتند و یاهم نتوانستند به جز کوچ دادن های از مردم شمالی و تاک سوزی های سرزمین سبز شمالی بر تمامی مفردات آن عمل کنند .

رجزخوانان تغییر نظام سیاسی از متمرکز به مشارکتی !

<https://www.youtube.com/watch?v=JCHBNQ8BPqg>

چنانچه در مبحث هواداران سراپاقرص نظام سنتی سلطانی اشاره نمودیم در یک روز سرد که شعله های گرم آفتاب بر خیمه لویه جرگه می تابید برخی از تاجران و دلالان ورشکسته شده ء مافیای حاکم شبه مذهبی و " سیا " سی به بهانه ۲۶ دلو روز خروج ارتش سرخ اتحاد جماهیر شوروی سابق گرد هم آمدند و سخن از اصلاحات و تغییر نظام از "ریا" ستی کنونی به پارلمانی زدند .



این سخنان را در حالی بیان میفرمودند که برخی از سخنرانان همین داعیه آنگاه که چشمه های دالر نه خشکیده بود و خود را سهم و شریک در قدرت می دانستند بر بیان فضائل نظام "ریا" ستی نیز فخر فروشی می کردند درحالیکه اصلاً نه میدانستند که فرق ابتدائی میان نظام "ریا" ستی و پارلمانی چیست و چگونه میتوان آنرا با هم تفکیک کرد ؟ و هیچکسی نه میتواند نظام حاکم بر سرنوشت مردم بینوای افغانستان را تعریف درست کنند و آنرا با هر یکی از نظام های مروج در جهان افغانستان و یاهم با دیکتاتوری های که از سوی استعمار شرق و غرب مقایسه نمایند . و غالباً همین ابهام هویتی نظام حاکم سبب شده تا بزرگترین اهرم های قدرت مانند رئیس حکومت وحدت ملی افغانستان و یاهم رئیس اجرائیه این دولت متبرکه مافیائی از شناخت آن اظهار عجز کنند .

<https://www.youtube.com/watch?v=XtazXWlUJZA>

مسخره ترین تحلیلی که بحیث برهان قاطع مجعول و مجهول از سوی امرالله خان صالح گارد زنده یاد احمد شاه مسعود قهرمان ملی افغانستان بوده که از فهم انگلیسی کوچه و بازار نیز بهره مند بود و اصلاً و لزوماً شخص ضابط صالح نه میداند که چه می فرمایند و چه باید بگویند و چگونه باید سخن آغاز کند. وی سخنان را که تصور میکرد میتواند یک مثال عینی را برای اثبات فرضیه ها بیان داشته باشد گفت : تغییر نظام به معنای تجزیه افغانستان نیست برای اثبات این حقیقت به مثال ناحیه ای از شهرداری کابل اشاره نمود وگفت که در کابل مثلاً یک ناحیه نمونه از پاکي ، پیشرفت از نبود جرم از مدیریت درست نداریم ، بخاطری چه که آمرین حوزه یا آمرین ازین ناحیه ها لائحه وظائف ندارند ، چرا ندارند بخاطریکه نظام شهرداری و شاروالی به حدی متمرکز است که به هیچ کسی صلاحیت نه می دهند پس نه تنها ما نیاز به بازنگری تمامی مقررہ ها و قوانین خود از پائین به بالا داریم بلکه از بالا به پائین هم داریم به این خاطر مه امیدوار هستم که بحث تغییر قانون را مابه بحث شق جامعه تبدیل نکنیم .

وقتی ظابط صاحب صالح که تاهنوز هم از نام قهرمان ملی ارتزاق میشود به سخنانش پایان داد همه آنانیکه در صحن سالون نشسته بودند فازه کشیدند و اصلاً نه دانستند که امرالله خان صالح چه فرمودند و روایت کردند . اما یکی از فازه کننده گان درحالیکه فازه میکشید و سخنان چندی قبل جنرال عطا محمد خان نور متولی روضه شریف که برای بر هم زدن گفتگوها با رئیس غنی حاکم ارگ ایراد فرموده بودند به یاد آورد که می گفت :

https://www.youtube.com/watch?v=2n8xkrm67qY&ab_channel=nauandeshiTerbione

به هر صورت از بین حرفها بسیار داشتیم هرچند این قلم بارها بدان اشاره نموده و به عرض رسانده ام یکی از دردهای اصلی جامعه بخون آغشته ما در این است که با فقدان عدالت عمومی و مشروعیت سیاسی با گذشت بیش از پانزده سال آرام ، آرام بسوی گردابی از نابودی به پیش میرویم این بیماری را نه میتوان با تغییر نظام از ریاستی به پارلمانی و یا هم برعکس آن از پارلمانی به ریاستی معالجه کرد . آنچه در این زمینه بسیار اساسی اند این است که هریکی از شهروندان افغانستان را که در جغرافیای بنام افغانستان زندگی میکنند بدون هرگونه تبعیض بصورت مساویانه تحقیر و تذلیل ساخته اند . و امروز چنان تذلیل و تحقیر ساخته شده ایم که هریکی از ما به کاسه گدائی تبدیل شده ایم و بر مفتخواری و ذلت افتخار و مباحات میکنیم . تا آنگاه که سلول سلول وجود مان در برابر غرائزی از ثروت ، قدرت و شهرت و صد ها غرائز دیگری واکسینه نه شویم و برمفتخواری و صدقات این دنیای طماع فخر و مباحات کنیم در گرادابی از این فاجعه خونین غرق خواهیم شد .

